معرفی اسلام شناسان غربی: آن ماری شیمل

: ANNEMARIE SCHIMMEL مهدی شوشتری

هدف از این بخش معرفی صاحبنظرانی است که در حال حاضر، در زمینه مسائل اسلام معاصر و جهان اسلام تحقیق می کنند.

پروفسور خانم آن ماری شیمل، اسلام شناس و شرق شناس معاصر آلمانی، در 7 آوریل 1912 در شهر ارفوت متولد شد. خانم شیمل از دوران کودکی به شرق علاقه مند بود. در پانزده سالگی تصمیم گرفت زبان عربی را فرا گیرد. معلمش خود را محدود به آموزش عربی نمی کرد، بلکه می کوشید شاگرد خود را با فرهنگ عربی و اسلامی نیز آشنا نماید. (1) وی در سال 1941 موفق به اخذ درجه دکترا در رشته «فارسی و ترکی » و در سال 1951، موفق به اخذ درجه دکترا در رشته تاریخ ادیان گردید.

وی مدتی در دانشکده الهیات آنکارا به تدریس تاریخ ادیان پرداخت. در این دانشکده، دانشجویان نه تنها در زمینه علوم اسلامی تحصیل می کردند، بلکه با افکار معاصر غربی نیز آشنا می شدند; یعنی هم قرآن، حدیث، اصول فقه و عربی می آموختند و هم فلسفه اروپایی و جامعه شناسی دینی و تاریخ تطبیقی ادیان می خواندند. (2) وی در ترکیه، کتاب «مقدماتی در تاریخ ادیان » را به رشته تحریر درآورد. وی همچنین در دانشگاههای آلمان و ایالات متحده آمریکا، درسهای «زبانهای اسلامی » و «تاریخ ادیان » را تدریس نموده است.

خانم شیمل را باید در مقام نوع خاصی از اسلام شناسان آلمانی که منحصر به فردند، مورد اعتنا قرار داد. زبان خانم شیمل، زبانی است که در مقام تحقیق، از تمجید واقعیات و حقایق تاریخی دریغ نمی کند. او در شمار آن دسته از اسلام شناسانی محسوب نمی شود که خواسته باشند تمایل قلبی خود را با وقایع حقیقی وفق دهند. اگر از باب مثال، خانم شیمل در برخورد خود با مسلمانان به این نتیجه رسیده باشد که رسیده است - که آنها از اطلاق «محمدی » به جای مسلمان ابا می کنند - نه تنها سعی می نماید حتی المقدور از استعمار چنین لفظی در کتابهای خود اجتناب ورزد، بلکه متذکر این نکته نیز می شود که پیروان اسلام را نباید «محمدی » خطاب کرد. (3)

وی جزء نوادر کسانی است که در حوزه های مختلف دانشگاهی کشورهای جهان اعم از حوزه های غربی یا شرقی، از حرمت و احترام و اعتباری برخوردار است. تعلق خاطر او به مباحث عرفانی اسلام سبب شهرت وی شد. تسلط او به زبانهای مختلف شرقی باعث گردید تا او قادر باشد بدون زبان واسطه به منابع اصلی موضوع تحقیق و پژوهش خود رجوع کند و این امر بیش از پیش بر اعتبار علمی او افزوده است. (4)

اسلام شناسان آلمان به عرفان اسلامی یا به عبارت دیگر، به اسلام با گرایش عرفانی نوعی محبت می ورزند. شاید علت این امر، وجه اشتراکی باشد که میان «تصوف اسلامی » و «رهبانیت مسیحی » وجود دارد. از این حیث، خانم پروفسور شیمل خود در رده سردمداران اسلام شناس صوفی گرا قرار دارد. او اگر به تاریخ نیز نظر می کند و تاریخ یک کشور اسلامی را به نقد و تحلیل می کشد، همه جا به عنوان گواهی صادق در تعقیب گرایشهای عرفانی است، حتی اگر موضوع اساسا به عرفان ارتباطی نداشته باشد. (5)

آثار

خانم شیمل بیشتر آثار خود را به زبان انگلیسی و آلمانی تحریر می کند. وی در مباحث اسلامی به موضوعات عدیده ای توجه کرده است. علاوه بر آثاری که در قالب کتاب از خانم شیمل منتشر شده، مقالات فراوانی نیز از او چاپ شده است. از جمله آثار وی می توان به موارد زیر اشاره نمود:

1. خلیفه و قاضی در مصر در اواخر قرون وسطی (رساله دکترا) (1943)، [Kalif Und Kadi im Spaetmittelalterlichen Aegypten]

[Die Religionen der Erde]

2. ادیان روی زمین (1955)

3. بال جبرئیل، تحقیقی در آرای دینی محمد اقبال (1963)، [Gabriel|s Wing, A Study in to the Religion Ideas ofMuhammad Iqbal]

4. الحلاج، شهید حب الله (1968)

[Al - Halladsch, Maertyrer der Gottesliebe]

5. اسلام در شبه قاره هند (1980)

[Der Islam im Indischen Subkontinent]

6. باغهای دانش و معرفت (متون عرفان اسلامی) (1982) [Gaerten der Erkenntns]

7. اسلام در هند و پاکستان (شمایل نگاری ادیان) (1987)، [Islam in Indo - Pakistan (Iconography ofReligions,)]

8. ابعاد عرفانی اسلام، تاریخ تصوف(1985)(این کتاب توسط آقای دکتر عبدالرحیم گواهی به فارسی ترجمه شده و توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی به چاپ رسیده است.)

[My Stische Dimensianen des Islam - DieGeschichte des Sufismus]

9. و محمد پیامبر اوست (1989)

[Und Muhammad ist Sein Praphet]

10. اسامی اسلامی (1990)، [Islamic Names]

11. اسلام، جلد سوم (1990)، [Der Islam]

12. درآمدی بر اسلام(1990)(این کتاب نیز توسط آقای دکتر عبدالرحیم گواهی به فارسی ترجمه شده و توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی به چاپ رسیده است.

[Der Islam, Eine Einfuhrung.]

علاوه بر آثار فوق، خانم شیمل آثار متعدد دیگری نیز در زمینه عرفان اسلامی، بخصوص آثار مولوی، شعر و ادبیات، بخصوص آثار اقبال و مولوی به رشته تحریر در آورده است.

نظرات

خانم شیمل بیشتر آثار خود را در زمینه عرفان و هنر اسلامی به رشته تحریر در آورده است. از خصوصیات خانم شیمل آن است که در حوزه سیاست جنجالی ورود نمی کند. دور ماندن از جنجالهای سیاسی روز کشورهای اسلامی، فواید فراوانی برای برخی اسلام شناسان به بار آورده است; زیرا آنها بی آنکه حساسیتی برانگیزند، در تمامی عرصه های مورد تحقیق خویش فرصت پژوهش می یابند. علاوه بر آنکه جایگاه و پایگاه خوبی در کشور خود پیدا می کنند، در کشورهای مورد تحقیق نیز از علومکانی برخوردارند.6

به نظر خانم شیمل، از میان همه ادیانی که مسیحیت با آن مواجه بوده و الزاما سر و کار داشته، دین اسلام را بیش از همه، مورد سوءتفاهم و در نتیجه حمله شدید قرار داده است. برای مدت بیش از هزار سال، چنین به نظر می رسید که اسلام یکی از تهدیدات عمده - اگر نگوییم عمده ترین تهدید - برای مردم اروپاست، احساسی که منجر به این واقعیت شده که اسلام و معتقدین به این دین آسمانی، یعنی مسلمانان، سرسخت ترین دشمنان مسیحیت و تمدن غربی هستند. در جبهه سیاسی، این تهدید زمانی آغاز شد که اعراب در اوایل قرن هشتم میلادی، اسپانیا را فتح کردند و زمانی پایان یافت که ترکان عثمانی در سال 1683 میلادی، وین را محاصره کردند.

اما ترس اروپای مسیحی، تنها به دلایل سیاسی نبود. اسلام تنها دین جهانی است که پس از دین مسیحیت، به وجود آمده است و از همین بابت نیز [از ناحیه مسیحیان] یک دین حقیقی و قابل پذیرش نبود; غالبا آن را به صورت بدعتی صرف در دین مسیحیت می دانستند، طرز تفکری که نخستین بار در نوشته های دفاعی اولیه بیزانس دیده می شود که برای مدت قرنها ادامه یافت. (6)

به اعتقاد پروفسور شیمل، تصویری که اروپای قرون وسطی از اسلام و پیامبر آن [حضرت] محمد (ص)، در ذهن دارد، حقیقتا مخدوش و تحریف شده است. آن ماری شیمل معتقد است بنیادگرایی هیچ گونه ارتباطی با اسلام ندارد. این عبارت در مسیحیت، به گرایش خاصی در آمریکا اطلاق می گردد و محافل تبلیغاتی غرب آن را برای افراطگرایان مسلمان بکار می برند. (7) به اعتقاد وی، ظهور روحیه و نگرشی که با برچسب «بنیادگرایی » مشخص می شود، قابل فهم و درک بوده و نزد متخصصین رشته تاریخ ادیان، تقریبا منطقی است. چنین به نظر می رسید که کل نظام ارزشی [اسلامی] ارزش خود را از دست داده و با ارزشهای کاملا متفاوت دیگری که در اثر نفوذ غرب به وجود آمده، جایگزین شده است. در چنین شرایطی، امید و آرزوی افراد این است که از دست چنین تمدن غربی و یا بهتر بگوییم، کاریکاتور آن که در وسایل ارتباط جمعی عرضه و تبلیغ می شود، با مراجعه به ارزشهای حاکم بر روزهای خوش گذشته، دوران حیات رسول اکرم (ص) که در آنها همه چیز همان طور که شاید و باید بود، خلاص شوند. (8)

علاوه بر این، به اعتقاد خانم شیمل، در بین مسلمانان، افکار و عقاید بورژوازی لیبرال هرگز به صورتی تدوین و بیان نشده بودند که بتوانند توده های مردم را به خود جذب کرده، برای آنها راهنمایی و هدایت قابل اعتمادی را به وجود آورند، در حالی که تعالیم روشن و مشخص بنیادگراها چنین کاری را انجام می داد. توده مردم در بسیاری از کشورهای اسلامی با این حقیقت تلخ و تاسف انگیز مواجه بود که نه لیبرالیسم و نه سوسیالیسم هیچ یک قادر نبود تا مسائل جدید سیاسی و اجتماعی آنها را حل کنند. (9)

خانم شیمل نظر خود را بعضا به کنار از ملاحظات سیاسی ابراز می کند. او در جدیدترین اظهارنظری که پیرامون جنجال برانگیزترین موضوع فرهنگی - سیاسی جهان، یعنی حکم و فتوای قتل رشدی ابراز داشت، موجب شد حملات بسیاری متوجه او شود. وی در مصاحبه مورخ چهارم ماه می 1995 با شبکه اول تلویزیون (آ.ار.د) که به مناسبت دریافت جایزه صلح «اتحادیه کتابفروشان آلمان » صورت پذیرفته بود، اعلام داشت: «تهدید به مرگ طبیعتا همواره قدری ترسناک و دهشتناک است. اما در شیوه و طریق و سبک بسیار بدی، رشدی احساسات مسلمانان مؤمن را جریحه دار کرده است. او شخصا مردان برومند را دیده است که بعد از آگاهی از مضمون کتاب آیه های شیطانی، گریستند.» (10)

او بدون آنکه حکم و فتوای راجع به رشدی را مورد تایید قرار داده باشد، از جانب دیگری به قضیه نگریسته است; جانبی که معمول نحو تفکر اسلام شناسان و خاورشناسان آلمان نیست و به همین جهت، موجب اعتراضات فراوانی را فراهم کرده است. (11)

نوشته های خانم شیمل بیشتر با ذوق و هنر توام است تا سیاست. او از زمانی که دست به قلم برده است با سیاست بیگانه بوده است. از چنین شخصیتی البته ورود در سیاست انتظار نمی رود. نهایت آنکه اگر به پرسشی سیاسی پاسخی غیرسیاسی می دهد و جهت اندیشه خود را متوجه استقلال نظر خویش می کند، تعجبی ندارد. (12)

پی نوشت ها:

1. آن ماری شیمل، ابعاد عرفانی اسلام، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1374، ص 9.

2. همان، ص 11.

3. سیدحسن موسویان، آراء و افکار اسلام شناسان معاصر آلمان، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، 1375، ص 129. 4. همان.

5. همان، ص 131.

6. همان، صص 134-133.

7. آن ماری شیمل، درآمدی بر اسلام، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، 1375، ص 11.

8. ارنست تسبیندن، بیداری اسلامی و غرب، ترجمه صالح واصلی، ماهنامه اسلام و غرب، دفتر تحقیقات اسلامی وزارت امور خارجه، سال اول، شماره 5 و 6، دی و بهمن 1376، ص 105.

9. آن ماری شیمل، درآمدی بر اسلام، منبع پیشین، صص 242-241.

10. همان، ص 242.

11. سیدحسین موسوی، منبع پیشین، ص 135.

12. همان، ص 136.